

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

در آیه قبلی به این نتیجه رسیدیم که آن آیه بر حجاب بمعنای اصطلاحی که مراد ستر و پوشش هست دلالت بر ندارد. و بحمد الله بحثش را گذراندیم. و یکی دیگر از آیاتی (حجاب) که يك مقدار از آیه قبلی بحثش مفصلتر است آیه 59 از سوره احزاب است .

اجمال آیه

آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (آیه 59 از سوره احزاب)

«لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (آیه 60 از سوره احزاب)

این دو آیه را در برخی از کتب کنار هم ذکر کرده و مورد استدلال قرار داده‌اند، در حالی که ما وقتی شأن نزول این آیه را ملاحظه می‌کنیم می‌بینیم که این دو آیه دو شأن نزول جدای از یکدیگر دارد؛ و نباید آیه‌ی شصت را مرتبط به آیه 59 کرد. (شأن نزولهایش را عرض می‌کنیم) اما عمده این آیه 59 است.

اجمال آیه شریفه این است که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ» که مراد از ازواج همان امهات المؤمنین است، که در آیات قبل بود زنهای پیامبر، ازواج جمع زوج است ادعا شده است که اصلاً فصاحت اقتضا می‌کند به زن زوج گفته بشود از اصمعی کلامی را در لسان العرب نقل کرده‌اند که اصلا هی زوج لا غیر، به زن نباید گفت زوجه اگر زوجه گفته شود غلط است، اما کلمه زوج در قرآن هم برای زن استعمال شده است و هم برای مرد استعمال شده است.

ازواج جمع زوج است، زوج هم در مذکر می‌آید و هم در مؤنث. مثلاً در آیه 35 سوره بقره «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ» که به حوا عنوان زوج اطلاق شده است.

و در همین سوره احزاب آیه 37 دارد «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ» علی ای حال، ظاهراً در قرآن هم هر جا برای زن تعبیر آمده است تعبیر زوج آمده است، تعبیر زوجه نیامده است، لذا این مقدار می‌شود استفاده کرد آنچه که مطابق با فصاحت است آن است که

به زن زوج گفته بشود اما نمی‌توانیم بگوییم حالا اطلاق زوجه هم بر او غلط است؛ علی ای حال ازواج جمع زوج است.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» به این سه گروه زنهای خودت، دختران خودت و زنهای مؤمنین، همه زنهای مؤمنین «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ» جلابیب جمع جلاباب است که حالا ما راجع به این کلمه جلاباب مفصل بحث می‌کنیم که حدود پنج احتمال در کلمه جلاباب وجود دارد، اجمالاً معنای «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ» – این است که جلابابها را آویزان بکنند بر خودشان – «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ» این بهتر از این است، این بهترین راه و کوتاه‌ترین راه است برای اینکه اینها شناخته بشوند – «فَلَا يُؤْذَنَنَّ» تا اذیت نشوند – «وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» پس آیه امر می‌کند به اینکه زنها جلاباب خودشان را باید آویزان بکنند بر خودشان.

به این آیه شریفه هم برای اصل وجوب حجاب استدلال شده است و هم حتی قدمای از فقهاء که در مسئله حجاب ستر وجه را معتبر می‌دانند یکی از ادله‌ی که برای وجوب ستر وجه به آن استدلال کرده‌اند همین آیه شریفه است، که وقتی خداوند می‌فرماید: جلاباب را آویزان کنند یعنی طوری است که دیگر صورتشان هم پوشیده بشود و صورتشان هم روشن نباشد. و اگر قائل شدیم بین اینکه ستر وجه واجب است (چون قول به فصل نداریم بین وجه و کفین) اگر يك فقیهی فتوا داد و از دلیلی استفاده کرد که ستر وجه واجب است باید بگوید ستر کفین هم واجب است، فقیهی را نداریم که بگوید ستر وجه واجب است اما ستر کفین واجب نیست؛ پس ببینید! به این آیه شریفه هم برای اصل وجوب حجاب استدلال شده است و هم برای اینکه دائره حجاب باید وجه و کفین را هم بپوشاند.

از طرف دیگر از برخی از کلمات استفاده می‌شود که اصلاً این آیه دلالت بر وجوب حجابی که الان ما دنبالش هستیم دلالت ندارد؛ این «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ» را طوری معنا کردند مخصوصاً با تعبیر «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ» که آیه در مقام این است که چه چیزی برای عفاف زن بهتر است، چه چیزی برای عفاف و پوشیدگی زن بهتر است و محکمتر است، لذا گفته اند نمی‌شود از این آیه ما برای وجوب حجاب استفاده کنیم. پس این آیه شریفه از يك طرف هم برای وجوب حجاب، هم دائره‌اش که مسئله وجه و کفین است استدلال شده است، از يك طرف استدلال شده است بر اینکه اصلاً آیه دلالت بر وجوب حجاب ندارد.

اینجا حالا ما برای اینکه وارد معنای آیه بشویم من به ذهنم می‌آید اول ما شأن نزول‌های که مربوط به این آیه شریفه است چیست، ببینیم آیا بین این شأن نزول‌ها تنافی وجود دارد یا اینکه این شأن نزول‌ها قابل جمع است. بعد بیاییم مفردات آیه را معنا کنیم، مفردات آیه هم عمده‌اش در کلمه يُذْنِبْنَ است که با علی متعدی شده است، «جَلَابِيْبِهِنَّ» است، عمده همین دو کلمه است که اگر اینها روشن بشود معنای آیه روشن می‌شود، البته «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنَنَّ» که اگر دیده باشید بعضی از این روشنفکرها می‌گویند حجاب در صدر اسلام برای این بوده چون زنهایی که حجاب نداشتند مورد اذیت واقع می‌شدند خداوند برای اینکه اینها مورد اذیت واقع نشوند این را فرموده است؛ اما در زمان ما که در جامعه يك امنیتی از این جهات مثلاً دارد اگر زن بدون حجاب برود کسی او را اذیت نمی‌کند دیگر حجاب مثلاً لازم نیست باید «أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنَنَّ» را درست معنا کنیم ببینیم معنایش چیست؟

شأن نزول آیه در تفسیر برهان

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ» – کان سبب نزولها أن النساء كن يخرجن الى المسجد – زنها به مسجد می‌رفتند، اینها این آیه را حالا که کم کم ان شاء الله معنایش را روشن می‌کنیم، باید نسبتش با – قَرْنٍ فِي بُيُوتِكُنَّ – که در آیات قبل راجع به زنهای پیامبر بود روشن بشود، بگوییم که آن «قرن» یعنی برای کارهای غیر ضروری از خانه خارج نشوید اما اگر زن می‌خواهد برود مسجد مانعی ندارد، اصلاً خود این آیه شریفه دارد می‌گوید حالا که زنها می‌خواهد از خانه خارج بشوند – بعضی از آیاتش مربوط به خصوص زنهای پیامبر است – و بروند مسجد به این شیوه بروند، یعنی اصل

استحباب خروج زن را برای رفتن به مسجد مفروض می‌گیرد، آن روایاتی که آمده می‌گوید مسجد المرأة بیت‌ها، باید بگوییم که این در فرضی است که رفتنشان موجب اذایشان بشود، یا رفتنشان موجب تعرض نا محرمان بشود، اگر این‌ها باشد مسجد المرأة بیت‌ها، اما اگر اینها نباشد آیه می‌فرماید حالا که زن می‌خواهد برود مسجد اینطوری برود.

پس معلوم می‌شود استحباب و رجحانش را مفروض عنه گرفته است. «ان النساء كن يخرجن الى المسجد و يصلين خلف رسول الله (ص) فاذا كان الليل خرجن الى صلاة المغرب و العشاء الاخرة و الغداة - روز که می‌رفتند مسجد خیلی مشکلی نبوده وقتی شب می‌رفتند برای مسجد یا برای نماز صبح می‌رفتند - يقعد الشبان لهن في طريقهن - جوانهای در طریق آنها می‌نشستند - فيؤذونهن و يتعرضون» اینها را موجب اذیت و آزار قرار می‌دادند، تعبیراتی را به آنها متوجه می‌کردند، فأنزل الله این آیه شریفه را که اینها وقتی می‌خواهند بروند جلباب‌های خودشان را آویزان بکنند که دیگر موجب اذیت و آزار قرار نگیرند.

عرض کردم که حالا ممکن است بعضی از کتب فقهی را شما ملاحظه بفرمایید که این آیه بعد را آوردند دنبال همین آیه قبل «لَيْنُ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» فرموده‌اند که آیه می‌گوید خلاصه اگر اینها دست از اذیت برندارند و شایعه پراکنی کنند، چند گروه را بیان می‌کند، منافقین و الذين في قلوبهم مرض - آنهایی که در قلوبشان شك و تردید نسبت به رسالت شمایی پیامبر هست - وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ - مرجفون آنهایی بودند که شایعه پراکنی می‌کردند، اخباری را پخش می‌کردند. پیامبر می‌رفت مثلاً برای جنگ، اینها می‌آمدند شایعه می‌کردند که پیامبر را گرفته‌اند و یا پیامبر را کشته‌اند که يك تزلزلی در جامعه مسلمانها ایجاد بکنند مثل آن تعبیر - يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ - رجفه بمعنای همان زلزله‌ای است که متزلزل می‌کند، گاهی اوقات يك خبرهای پخش می‌کردند برای اینکه جامعه را متزلزل بکنند، آیه می‌فرماید ما تو را بر آنها مسلط می‌کنیم و اینها «لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» اینها پیش تو فقط يك مدت کمی باید بمانند یعنی امر می‌کند به تبعید که اینها را تبعید کنند و از مدینه برونند.

این آیه اصلاً ارتباطی به آیه قبل ندارد، در همین تفسیر برهان نوشته «فانها نزلت في قوم منافقين كانوا في المدينة يرجفون برسول الله اذا خرج في بعض غزواته، يقولون قُتل و أُسر - تا پیامبر می‌رفت برای جنگ اینها می‌گفتند کشته شد یا اسیر شد - فيغتم المسلمون لذلك - ناراحت و غمگین می‌شدند - و يشكون الى رسول الله» پیامبر که بر می‌گشتند، مردم می‌رفتند می‌گفتند اینها این اخبار را پخش کردند ما را ناراحت کردند این آیه نازل شد. پس این آیه را ما نمی‌توانیم دنبال این مسئله بیاوریم که ربطی به مسئله حجاب «و يُذِنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» ندارد. پس سبب نزول این آیه طبق آنچه که علی بن ابراهیم قمی نقل کرده همین است که بیان شد.

شان نزول آیه در کتب عامه

در کتب عامه، در تفسیر روح المعانی (ج 12) آمده: روی عن غير واحد، أنه كانت الحرة و الامة تخرجان ليلاً لقضاء الحاجة في الغيطان - یعنی جماعتی، عده‌ای گفته‌اند که زن حره، زن کنیز اینها خارج می‌شدند شب برای قضاء حاجت در گودال‌ها - و بين النخيل من غير امتياز بين الحرائر و الاماء - بين زن حره و زن کنیز هم امتیازی نبود - و كان في المدينة فساق يتعرضون للاماء - در مدینه جوان‌های فاسقی بودند که متعرض اماء می‌شدند - و ربما تعرضوا الحرائر - گاهی اوقات هم متعرض زنهای حره می‌شدند - فاذا قيل لهم - یعنی وقتی مورد اعتراض واقع می‌شدند، چرا این زنهای حرائر را شما نا سزا گویی کردید و حرف‌های بد به اینها زدید - يقولون حسبناهن اماءنا - ما فکر کردیم اینها کنیز هستند - فامرت الحرائر يخالفن الاماء - امر شد به حرائر که حرائر با اماء مخالفت کنند و مشابهت نداشته باشند - بزو التستر - یعنی امر شد به حرائر که حرائر خودشان را بپوشانند کنیزها حق ندارند خودشان را بپوشانند ، حرائر برای اینکه آن شرافتشان و آن احترامشان محفوظ بماند و مورد تعرض واقع نشوند آنها خودشان را بپوشانند، تا آن ابهت و احترامشان بقوت خودش باقی بماند! این شأن نزول معنایش این است که

خداوند فقط امر کرده است به حرائر، اماء لازم نیست که آنها جلباب‌های خودشان را بپندازند روی بدنشان، جلباب را طوری که معنا می‌کنیم به همان چادری که امروز در بین زنهای ما هم رایج است که همه بدن را می‌پوشاند (که حالا می‌رسیم معنای جلباب را با دقت بیان می‌کنیم) این شأن نزول آیه را منحصر می‌کند به حرائر مخصوصاً می‌آیند آن «[ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ](#)» آن وقت می‌گویند آنچه که بوده این است که حرائر نباید مورد اذیت قرار بگیرند، کنیز حکم غیر انسان را اصلاً دارد، مال است، حالا گاهی اوقات (من این را اضافه می‌کنم) که کنیز مورد خرید و فروش قرار می‌گرفته است، باید صورت او باز باشد، موهای او روشن باشد تا اینکه کسی که او را می‌خرد بداند مثل بقیه اموال مثلاً، و آیه را آوردند در همین وادی حرائر.

بعضی از روایاتی هم که نقل شده است: «کان عمر بن الخطاب لا یدع فی خلافته امة تقنع» اجازه نمی‌داد که امه مقنعه سر بکند، تعجب این است که این روایات را خودشان بنشینند یک طوری هماهنگ بکنند، از يك طرف در آن آیه قبلی که «[وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ](#)» بعضی‌ها آمدند که ما چند اشکال کردیم به این شأن نزول، گفتند عمر می‌دیدند این که زنهای پیامبر در دست رس مردم هستند مردها آنها را می‌بینند، غیرتش به جوش آمد و به پیامبر اعتراض کرد که بگو اینها خودشان را بپوشانند پیامبر هم گوش نکرد تا آیه نازل شد، آن وقت از يك طرف اگر يك کنیزی در انظار مردم این مقنعه سر می‌کرد حتی در بعضی از روایاتش دارد که عمر تازیانه می‌زد او را، این چطور قابل جمع است؟ آخر پیداست مجعول بودن اینطور تعابیر! دارد - لا یدع فی خلافته امة تقنع - که مقنعه سر بکند - و يقول انما القناع للحرائر لكيلا يؤذین» قناع برای حرائر است، اینجا اولاً این آیه درش قناع، مقنعه در این آیه نیست، این آیه مربوط به جلباب است حالا بعداً بیان می‌کنیم ببینیم بین جلباب و مقنعه فرق وجود دارد، این روایت در کتاب الدر المنثور نقل شده است.

رد شان ن زول عامه در بیان حضرت استاد

حالا عرض کردم اولاً در این روایت عمر و در این آیه ما بعنوان حرائر نداریم، دارد: «[قُلْ لِّأَزْوَاجِكُمْ وَنَبَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ](#)» نساء المؤمنین همه را شامل می‌شود، تمام زنهای مؤمن را. بلی فقط هنوز این آیه زنهای کافره را شامل نمی‌شود که بعداً هم این استثنایی که در کلمات فقهاء هست يك منشأش همین است که آیه مربوط به نساء المؤمنین است، کافرها يك حکم دیگری دارند، اینطور نبوده که امة ایمانش مورد قبول نبوده، مسلوب الکلام بوده من جميع الجهات؛ نه، امة مؤمنه داشتیم، در قرآن تعبیر دارد راجع به امه مؤمنه. بنابر این، اولاً آیه اطلاق دارد.

دوما ما بگوییم این چه بیانی است! آیا ملتزم بشویم به این که شارع امضاء کند حرائر را کسی حق ندارد اذیت کند اما کنیزها را جوانهای فاسق اذیت کنند مانعی ندارد! کی می‌شود انسان ملتزم به این معنا بشود، طبق این شأن نزولی که الان خواندیم معنایش این است کنیز را شارع اجازه می‌دهد که جوانها متعرضش بشود، تعبیرات نا مناسبی را نثار او بکند اما نسبت به حرائر حق ندارند این کار را انجام بدهند، این با اصول دین ما و مکتب ما اصلاً سازگاری ندارد که شارع می‌گوید حرائر را مانعی ندارد، لذا این شأن نزول اشکالات متعددی دارد و ما نمی‌توانیم اصلاً این شأن نزول را بپذیریم.

علاوه در کتب عامه، باز در الدر المنثور جلد 5، صفحه 221، دارد که وقتی زنهای پیامبر از منزل خارج می‌شدند برای قضاء حاجت و کارهای خودشان، گروهی از منافقین اینها را اذیت می‌کردند بعد برای آنها که می‌گفتند چرا اذیت می‌کنید، می‌گفتند ما فکر می‌کردیم که اینها کنیز هستند تا اینکه این آیه نازل شد. پس نتیجه‌ی که می‌گیریم این است که شأن نزول آیه را اگر خوب دقت بکنید مربوط به خروج همه زنهایست از منزل، زنهای پیامبر را می‌گیرد، همه زنهای مؤمنین را می‌گیرد فرقی بین اماء و غیر اماء هم در اینجا وجود ندارد و اگر کسی این شأن نزولی که در کتب اهل سنت گفته شده است بپذیرد حالا بر فرض هم این شأن نزول باشد اما آیه اطلاق دارد و خود ما و همه هم قائل هستیم، علماء عامه هم قائل هستند که مورد مخصص نمی‌شود،

حالا اگر حرائر را اینها مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند آیه که می‌گوید فلا يؤذین معنایش این نیست که فقط حرائر اذیت نشوند،

آیه کلی می‌فرماید: «قُلْ لِّأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» همه را گفته، وقتی زن می‌خواهد از خانه بیرون می‌رود مورد ایذاء فسقه واقع نشود این را می‌خواهد بیان بکند، می‌خواهد حرائر باشد، می‌خواهد اماء باشد اگر هم شأن نزول درست باشد که عرض کردم درست نیست، اگر هم باشد باید این چنین بیانی را در مورد این آیه ذکر کرد. حالا عرض کردم عمده در این آیه شریفه کلمه «يُدْنِينَ عَنْهُمْ مِنْ جَلَابِيهِمْ» باز جلباب را داشته باشید معنایش را که گفتیم پنج احتمال درش وجود دارد، که روز دو شنبه عرض می‌کنم.

معنای لغوی «یدنین»

این «يُدْنِينَ عَنْهُمْ» معنایش چیست! ما وقتی به لغت مراجعه می‌کنیم ماده دنی و ادنی اگر با الی متعدی بشود ادنی الیه، ادنی الی یعنی نزدیک کرد به من، اگر با کلمه الی متعدی شد، بمعنای همان نزدیک کردن است، چیزی را به خودش ادنی الیه یعنی به خودش نزدیک کرد، اگر با علی متعدی شد بمعنای این است که چیزی را روی خودش انداخت. دیگر معنای نزدیک کردن ندارد، وقتی با کلمه علی بیاید، آنجا بمعنای آویزان کردن چیزی است «يُدْنِينَ عَنْهُمْ» یعنی چیزی را انداخت روی خودش حالا آن چیز چیست «مِنْ جَلَابِيهِمْ» است، دیگر معنای نزدیکی نیست، چون بعضی از مفسرین این را به همان معنای قرب گرفته‌اند، می‌گویند زنها جلباب داشته‌اند وقتی می‌رفتند در کوچه و خیابان این جلباب‌ها را يك مقدار نزدیکتر به خودشان بکنند، اما دیگر دلالت بر پوشش ندارد، در حالی که اینجا توجه نفروموندند ادنی یدنی اگر با الی بیاید به همین معنای نزدیک کردن است اما اگر با علی بیاید یدنین یعنی یسدلن از اسدال است یرخین از ارخاء است مثل اینکه می‌گویند پرده را آویزان کردن عرب تعبیر به ارخاء می‌کنند،

پس ببینید وقتی به معنای علی آمد این بمعنای یرخینها است در کتاب مجمع البحرین که واقعاً کتاب خوبی است یدنین را می‌گوید ای یرخینها، ارخا آویزان کردن، و یغطین بها وجوههن صورت هایشان را با این جلباب باید بپوشانند. آلوسی در روح المعانی می‌گوید۔ الادنی التقریب یقال ادنای ای قربنی و ضمن معنی الارخا او السدل – نوشته متضمن معنای ارخا یا سدل است ایشان توجه به این نکته داشته و لذا چون با علی متعدی شده است بمعنای ارخا است.

در کتاب مفردات راغب و در مصباح المنیر یدنین را بمعنای یقرین قرار داده است – ای یقرین الجلباب الی ابدانهن لیكون استر لهن – این جلبابی که همراهشان بوده يك مقدار نزدیکتر بیاورند تا استر برای آنها باشد ما گفتیم اصلاً معنای نزدیکی ندارد در اینجا این که در مفردات راغب بمعنای نزدیک آوردن جلباب معنا کرده این معنا معنای درستی نیست؛ حالا این معنای یدنین باز هم نکته دیگری هم دارد که در روز دو شنبه با توجه به جلابیب عرض می‌کنیم، جلباب را حتماً آقایان به لغت و تفاسیر مراجعه کنند تا انشاءالله خوب روشن بکنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.